



معاصر سازی محلات تاریخی با هدف مکان سازی فضاهای شهری

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

عارفه ایرانی شاد

دانشجوی دکتری، گروه شهر سازی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. arefehiranishad@gmail.com

فرح حبیب

دانشیار، گروه شهر سازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (مسئول مکاتبات) f.habib@srbiau.ac.ir

محمدجواد مهدوی نژاد

دانشیار، گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران mahdavinejad@modares.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: یکی از ابعاد معاصر سازی شهری بعد اجتماعی است. تجارب فرهنگی به عنوان محرک در معاصر سازی محسوب می شود. به همین دلیل باز تولید مکان برای مبنای کاربرد تجارب فرهنگی می بایستی اساس بسیاری از برنامه های معاصر سازی باشد. نوشته حاضر تلاشی برای تدوین رویکرد معاصر سازی مکان مبنا است. به نظر می رسد میان عوامل زمینه ای، توسعه ای، آینده نگری، تعاملات اجتماعی و باز تولید ناخود آگاه و رویکرد معاصر سازی مکان مبنا در اینگونه فضاها رابطه معناداری برقرار باشد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر نیازمند برخوردی کیفی است از اینرو مبنای هستی شناسی تحقیق آزاد پژوهی است. در این مقاله برای ارزیابی روایی محتوایی از نظر متخصصان در مورد میزان هماهنگی محتوای ابزار اندازه گیری و هدف پژوهش به دور و ش کیفی و کمی، استفاده می شود. برای ارزیابی میزان پایایی ابزارهای تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. جهت رسیدن به هدف اصلی مقاله به منظور ارزیابی اعتبار ویژگی های محیطی تبیین شده از مدلسازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است.

یافته ها: در آخر می توان گفت جهت گیری این پژوهش در زمینه تبیین رویکرد معاصر سازی مکان-مبنا در پنج بعد اصلی «عوامل زمینه ای»، «عوامل توسعه ای»، «عوامل آینده نگری»، «فرآیندهای اجتماعی»، «باز تولید ناخود آگاه» قابل تعریف می باشد.

نتیجه گیری: به طور کلی می توان به این نتیجه رسید که عامل باز تولید ناخود آگاه بیشترین تاثیر را بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا دارد. دانش محلی، استفاده از مکان و تعاملات و تجارب از معیارهای تاثیر گذار بر این فرآیند می باشند. معیار تعاملات و تجارب روزمره بیشترین تاثیر را بر باز تولید ناخود آگاه و به تبع آن بر فرآیند معاصر سازی مکان مبنا خواهد داشت.

واژگان کلیدی: معاصر سازی، باز تولید مکان، محلات تاریخی، معاصر سازی مکان مبنا، تعاملات روزمره

مقدمه

می‌شود که عبارت اند از پارادایم پدیدارشناسانه، پارادایم اجتماعی و پارادایم معماری و طراحی شهری. هریک از این سه دسته مباحث و رویکردهای جداگانه در عین حال به هم مرتبط منجر به بحث‌های گسترده‌تری در زمینه بازتولید مکان می‌شود. سه گفتمان مطرح شده نقش برجسته‌ای را در فهم اهمیت تولید مکان در طراحی شهری و چگونگی تولید و بازتولید مکان دارند و در نهایت به شناخت رابطه میان معاصر سازی و فرآیند مکان‌سازی در طراحی شهری منجر می‌شوند. این سه سطح قابل تفکیک از هم نیستند و به وضوح همپوشانی‌هایی میان آن‌ها وجود دارد. هدف از این بخش مروری بر مباحثات گسترده تر مربوط به بازتولید مکان برای دست یابی به یک چارچوب مفهومی در زمینه معاصر سازی مکان مبناست.

پارادایم پدیدارشناسانه مکان:

پدیدارشناسی از اساسی ترین پارادایم‌های مطرح در زمینه تحقیقات مکان است. پدیدارشناسی به تعریف جوهر وجود انسان که لزوما در مکان است، می‌پردازد و با ویژگی‌های منحصر به فرد مکان و یا انواع نیروهای اجتماعی دخیل در ساخت مکان‌های خاص سروکار ندارد. این رویکرد کمتر به مکان‌ها و بیشتر به مکان توجه دارد. محققان انسان‌گرا (علوم انسانی) و فلاسفه پدیدارشناسی چنین رویکردی نسبت به مکان دارند.

پدیدارشناسان به مکان به عنوان مجموعه‌ای از اجزا می‌نگرند که درون و بیرون آن دارای ارتباط است. مکانها از تجمیع و گرد هم آوردن هستومندها شکل می‌گیرند. مکانها دارای قدرت گردهم آوری تاریخ، رویدادها، تجارب و افکار هستند و به لحاظ درونی و بیرونی رابطه مندند. مکان نوعی برساخته گریزناپذیر و ضروری است که انسان‌ها به دلیل انسان بودن آن را تولید می‌کنند. مکان‌ها محصول فرایندها، تجارب، رفتارهای اجتماعی روزانه و تکراری و جریان‌های روزمره زمان - فضا هستند و به صورت روزمره و از طریق مردمی که زندگی روزمره را می‌گذرانند، بازتولید می‌شود.

پارادایم اجتماعی:

یکی دیگر از پارادایم‌های شناخته شده در زمینه مکان و مکان‌سازی پارادایمی است که غلبه آن دیدگاه اجتماعی نسبت به تولید مکان است. غلبه دیدگاه این دسته از نظریه‌ها بر تولید اجتماعی مکان است. نظریه پردازان پارادایم اجتماعی بر روی بازتولید مکان از طریق

دلیل عدم موفقیت برخی از فضاهای شهری این است که این فضاها در یک اجماع عمومی بدست نیامده اند. این فضاها خلق الساعه است و به همین دلیل است که از واژه انتزاعی استفاده می‌کنند؛ زیرا از دل یک فرایند بیرون نیامده است. تمام فضاهای مدرنیستی با وجود زیبایی شان فضاهایی انتزاعی هستند؛ یعنی از جامعه، زمینه و بافت فرهنگی منتزع هستند و فضاهایی آبستره و تجریدی محسوب می‌شوند. فضاهای عمومی به عنوان منبعی مفید، محلی و روزمره و عاملی به منظور مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند و می‌توانند به ایجاد حس تعلق در فرآیند معاصر سازی کمک نمایند. از آنجایی که یکی از ابعاد معاصر سازی شهری بعد اجتماعی است و در واقع در بسیاری از نقاط جهان، تسهیلات و فعالیت‌های فرهنگی به عنوان محرک یا حداقل به عنوان عاملی کلیدی در معاصر سازی محسوب می‌شود که استفاده از آن در مناطق شهری با وضعیت نامطلوب سبب احیای این نواحی می‌گردد. به همین دلیل طراحی و ساخت فضاهای جدید برای مبنای کاربرد تجارب فرهنگی اساس بسیاری از برنامه‌های معاصر سازی است. از آنجاییکه نواحی شهری روز به روز موقعیت خود را به عنوان مراکز تولید از دست می‌دهند، برنامه‌های معاصر سازی فرصت‌های جدیدی را برای فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌دهند. بر همین اساس در پروژه‌های معاصر سازی فضاهای عمومی توجه به مقوله مکان‌سازی دارای اهمیت می‌باشد.

ادبیات پژوهش

1) کنکاشی نظری در مفهوم بازتولید مکان شهری

مفهوم مکان نشان دهنده ی مجموعه ی گسترده تری از دیدگاه‌ها مانند پدیدارشناسی و ابعاد گوناگون شهر سازی روزمره است که با معنا و تاریخ مکان آمیخته شده و تجارب و آرمان‌های مردم را مجسم می‌کند. مکان‌ها به طور مداوم و بی وقفه در حال تغییر هستند. آن‌ها همراه با تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فنی ساخته می‌شوند و در طی زنجیره‌ای از اقدامات و جریان‌های تاریخی و فرآیندهای پیچیده و مداوم تغییرات شهری بازتولید می‌شوند. در سال‌های اخیر مباحثات فراوانی در زمینه بازتولید مکان شکل گرفته است و تفاسیر مختلفی از این فرآیند ارائه شده است که سه محور اصلی از آن‌ها در اینجا مورد بحث قرار خواهد گرفت. در این راستا به سه پارادایم اصلی مکان پرداخته

گیرد و این امر تنها در یک فضای مشارکتی امکانپذیر است.

ابعاد، معیارها و مولفه های موثر بر بازتولید مکان: با جمع بندی متون نظری در زمینه موضوع مکان و مکان سازی و پارادایمها و رویکردهای گوناگون نسبت به آن نمودار زیر را میتوان به عنوان جمع بست معیارهای مؤثر در بازتولید مکان ترسیم نمود.

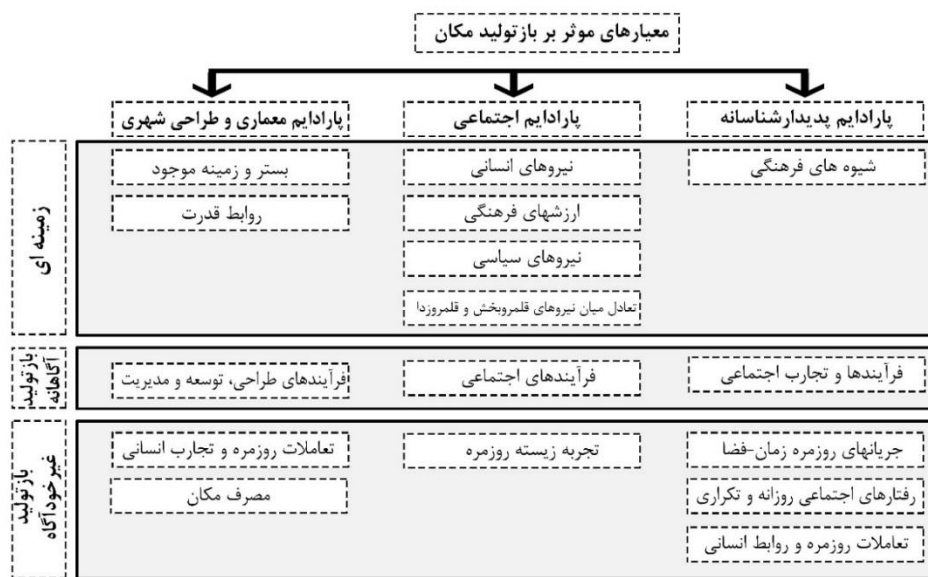
نمودار شماره ۱ مبین سه دسته از معیارهایی است که در بازتولید مکان از نقش و تأثیر اساسی برخوردارند و از جمع بست متون نظری و سنتز نظریات و دیدگاههای کلیدی استخراج شده اند. سه دسته از معیارهای فوق الذکر شامل عوامل زمینه ای، بازتولید آگاهانه و بازتولید ناخودآگاه هستند که در ادامه توضیح داده شده است:

معیارهای زمینه ای: معیارهای زمینه ای به عوامل برگرفته از بستر و زمینه اطلاق می شود که در بازتولید مکان مؤثر هستند. در هر یک از سه پارادایم بررسی شده موضوعاتی در زمینه بستر و زمینه مطرح گردیده است. مهمترین عامل زمینه ای نیروهای انسانی به معنی کنشگران و عاملین مؤثر در فرایند بازتولید مکان هستند که در پارادایمهای اجتماعی و معماری و طراحی شهری مورد تأکید قرار گرفته اند. از دیگر عوامل مؤثر بر بازتولید مکان روابط قدرت و نیروهای سیاسی هستند که از نقش بسیار تأثیرگذاری در هدایت جریان بازتولید مکان برخوردارند. ارزشها و شیوه های فرهنگی و تعامل میان نیروهای قلمرو بخش و قلمرو زدا دیگر عواملی هستند که در این زمینه حائز اهمیت تلقی شده اند.

تجربه زیسته روزمره تأکید داشته اند. در این رویکرد مکان حاصل انباشت تجربه های گذشته، حافظه جمعی و زمان روزمرگی در محیط است. در پارادایم اجتماعی بیشتر بر روی جنبه های محلی، روزمره و اجتماعی بازتولید مکان توجه شده است که با امر هنری، حضور نفس و بروز خلاقیت، تنوع و گوناگونی درآمیخته است. مکانها هیچگاه بنا نمی شوند. بلکه از طریق تجارب و اعمال مداوم و تکراری بازتولید می شوند. روش تجربه مکان و معنایی که به مکان نسبت داده میشود از یک محیط اجتماعی سرچشمه می گیرد که تحت تسلط ارزشهای فرهنگی و نیروهای سیاسی خاصی قرار دارد.

پارادایم معماری و طراحی شهری:

نظریه پردازان معماری و شهرسازی بخشی از دیدگاههای نظری مطرح شده در زمینه بازتولید مکان را از فلسفه، جامعه شناسی و جغرافیای انسانی الهام گرفته و آنها را در حوزه معماری و طراحی شهری بسط داده اند. بازتولید مکان از طریق طراحی شهری شاخه دیگری از این پارادایم است. قرائیند روزمره تولید و بازتولید مکان یک فرایند ارتباطی و ذهنی است که دارای ابعاد فردی و جمعی است. مکانها از مجموع بسیاری از تصمیم گیریها در طول زمان حاصل می شوند و حاصل فرایندهای موازی طراحی، توسعه و مدیریت و تعامل میان نیروهای سیاسی و روابط قدرت هستند. فرایندی مشارکتی و انعطاف پذیر است که باید با توجه به نیازها و اولویتهای استفاده کنندگان، تعاملات روزانه و تجربه افراد از مکانها صورت

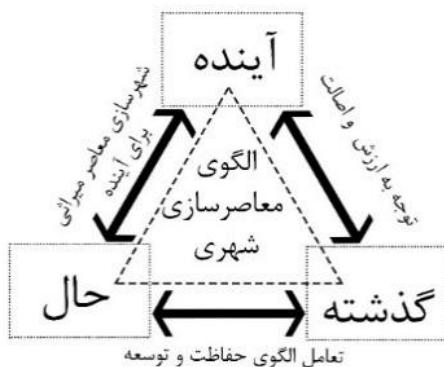


نمودار ۱: معیارهای مؤثر در بازتولید مکان

Continuity ۵- اقدامات رنزو پبانو در ایتالیا ۶-
حفاظت یکپارچه Integrated Conservation
استفاده مجدد از ساختارهای تاریخی و خلق
فضاهای جدید، بر مبنای احترام به معیارهای «اصالت»،
«یکپارچگی»، «ارزش» و در مجموع «برجستگی و
منزلت مکان تاریخی»، به عنوان مهم ترین محرکه‌های
توسعه در برنامه‌های سیاست «معاصر سازی
(contemporization)» مورد توجه می‌باشند. سیاست
«معاصر سازی» بیشترین تعادل و همگرایی را میان
برنامه‌ها و اقدامات حفاظت و بازآفرینی (توسعه) در
مکان‌های تاریخی فراهم می‌کند.

الگوی معاصر سازی شهری:

الگوهای رایج در مرمت شهری شامل الگوی
بهسازی، نوسازی، بازسازی می‌باشند که در بحث
معاصر سازی الگوی تعاملی حفاظت و توسعه مطرح
می‌شود. که گویای آن است که از یک سو لازم است از
میراث فرهنگی شهرهای تاریخی حفاظت شود، از سوی
دیگر لازم است زیرساخت‌های لازم جهت رونق زندگی
فعال شهری در آنها فراهم آید. توسعه شتابزده موجب
وارد آمدن آسیب‌های جبران ناپذیری بر میراث فرهنگی
و تاریخی می‌شود، همانگونه که حفاظت موزه‌ای خود
باعث تخریب بافت‌های باارزش شهری می‌شود. تنها
بنایی می‌تواند در بافت باارزش شهری ساخته شود، که
علاوه بر احترام بر میراث گذشته و حفظ اصالت بافت،
پاسخ گوی نیازهای معاصر باشد و بتواند به میراث
فرهنگی شهرهای تاریخی ایران بیافزاید. و در نهایت
پاسخ گویی به عملکردهای موردانتظار، خود نیز میراثی
برای آیندگان تبدیل شود. این الگو تلاش می‌کند تعاملی
بین شیوه‌های اقدام مبتنی بر بهسازی و نوسازی و
بازسازی را مطرح نماید.



نمودار ۱: الگوی معاصر سازی شهری

بازتولید آگاهانه مکان: منظور از بازتولید آگاهانه
مکان آن دسته از فرایندهای شناخته شده و از پیش
تعیین شده است که بر روی تولید آگاهانه و رسمی مکان
تأثیر می‌گذارند. این معیارها به طور عمده در قالب
پارادایم معماری و طراحی شهری و تحت عنوان
فرایندهای طراحی، توسعه، و مدیریت مکان شناخته اند.
در طبقه بندی فوق، طراحی شهری در زمره فرایندهای
آگاهانه مؤثر در بازتولید مکان قرار گرفته است. بازتولید
آگاهانه مکان در دیگر پارادایمها نیز تحت عنوان
فرایندهای اجتماعی حائز اهمیت تلقی شده و مورد
تأکید قرار گرفته اند.

بازتولید ناخودآگاه مکان: تعاملات، تجارب و
رفتارهای زیسته روزمره در مکانهای شهری نوعی از
بازتولید مکان را رقم می‌زنند که به صورت طبیعی و هر
روزه در جریان است. تعاملات روزمره و روابط انسانی که
بیشتر در روزمره زمان -فضا، رفتارهای اجتماعی روزانه و
تکراری مورد تأکید قرار گرفته اند. این نوع از بازتولید
ناخودآگاه معادل با مصرف مکان است که در پارادایم
معماری و طراحی شهری نیز بر آن تأکید شده است.

۲) پیدایش رویکرد معاصر سازی شهری

همانگونه که می‌دانید، روندی در گرایشات و
مداخلات مرمت شهری پی گرفته شد که در واقع
جرقه‌های آن از دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد و به شیوه‌ای
حرفه ای تر در دهه ۱۹۹۰ پیگیری شد. طی روندی
تکاملی، حفاظت و مرمت شهری در سالهای آغازین قرن
۲۱ به صورت فعالیتی همه جانبه، و تعاملی در آمده
است. دوره‌ای فرا رسیده که در آن، شهرسازی و مرمت
شهری کمتر به عنوان مفاهیمی انتزاعی، قاهرانه،
انتفاعی، و تبعیض آمیز مورد اشاره قرار می‌گیرند. روزآمد
کردن شهرها، حرکتی است که نه از نظر پشتوانه‌های
اندیشه ای، و نه به لحاظ زیرمجموعه‌ها و سرفصل هایی
که شامل می‌شود، ساده انگارانه، تک بعدی و یک سوپه
نیست.

در این دوره توسعه شهری حفاظت گرا و کمیت گرا
در قالب اقدامات زیر در حالیکه بحران جهانی اقتصاد
وجود داشت، انجام شد. از جمله عوامل مؤثر بر پیدایش
رویکرد معاصر سازی را می‌توان اینگونه بیان کرد: ۱-
توسعه پایدار Sustainable Development ۲- اقدامات
ریچارد راجرز در انگلستان ۳- نوزائی شهری Urban
Renaissance ۴- تداوم سنتی Traditional

می باشد که از نقش بسیار تأثیر گذاری در هدایت جریان معاصر سازی برخوردار است. سنت و پارادایم حاکم نیز از دیگر عواملی هستند که در این زمینه حائز اهمیت تلقی شده اند.

معیارهای توسعه ای: این معیارها به طور عمده در قالب تجدید نسل به معنی به روز نگه داشتن و پاسخ به نیازهای نو و تحت عنوان فرایندهای طراحی، توسعه، و مدیریت شناخته شده اند. از دیگر معیارهای این دسته مرمت موضعی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی، افزایش کیفیت می باشند. از آنجاییکه در هر فرآیندی محرک توسعه به معنی تأمین منابع مالی، ایجاد کاربری های محرک توسعه حائز اهمیت تلقی شده و مورد تأکید قرار گرفته اند، در معاصر سازی نیز از مهمترین عوامل شناخته می شود.

آینده نگری: رسیدن به تعادلی پایدار میان مرمت و حفاظت شهری و اهداف توسعه ای، توجه همزمان به تغییرات آینده از مهمترین مولفه های این دسته می باشند. توجه به آینده شهر، پرداختن به جنبه هایی از میراث آینده، تاکید بر مفهوم میراث مشترک و میراث در خطر در عرصه جهانی مورد تاکید قرار گرفته اند. ایجاد سازمان فضایی مستقل، تلفیق هوشمندانه شهر سازی تاریخی و معاصر (دگر دینی و پایایی) نیز بر آن تأکید شده است.

(۲) **همنشینی مکان سازی و رویکرد معاصر سازی شهری** به طور کلی می توان ریشه های مفهوم مکان سازی را اولین بار در رویکرد باز آفرینی پایدار و پایداری اجتماعی جستجو کرد. گرچه همه اصول یاد شده توسعه پایدار در باز آفرینی پایدار مطرح هستند، دیدگاه غالب و متأخر،

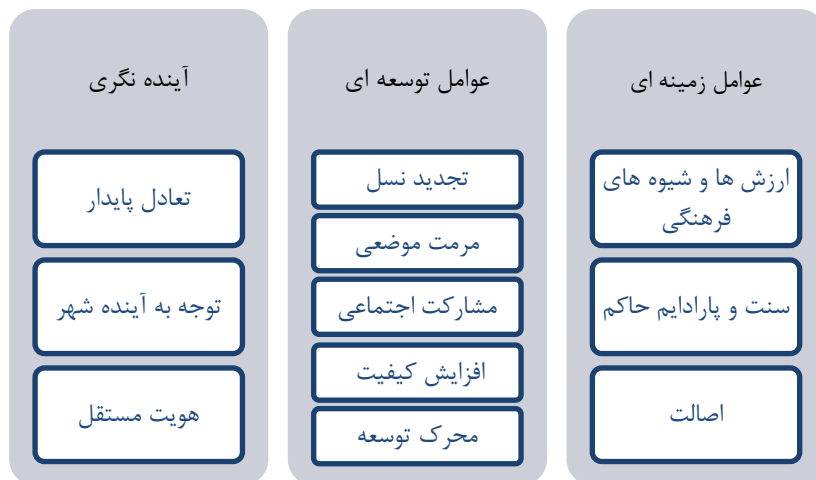
به طور کلی می توان پنج اصل در الگوی معاصر سازی شهری بیان کرد:

- ۱) رابطه همزیگری بافت تاریخی - فرهنگی با شهر
- ۲) تحمل گرایی و تعامل گرایی در بافت تاریخی - فرهنگی برای استفاده از تکنولوژی و ابزار آلات جدید
- ۳) احترام به حق و حقوق انسانی انسانها در بافت های تاریخی
- ۴) توجه به حقوق آیندگان
- ۵) تدوین و تهیه استراتژی برای مشارکت مردم

ابعاد، معیارها و مولفه های معاصر سازی شهری: با جمع بندی متون نظری در زمینه رویکرد معاصر سازی و نظریات گوناگون نسبت به آن نمودار زیر را میتوان به عنوان جمع بست ابعاد و معیارهای مؤثر در معاصر سازی ترسیم نمود.

نمودار شماره ۲ مبین سه دسته از معیارهایی است که در معاصر سازی از نقش و تأثیر اساسی برخوردارند و از جمع بست متون نظری و سنتز نظریات و دیدگاه های کلیدی استخراج شده اند. سه دسته از معیارهای فوق الذکر شامل عوامل تاریخی، توسعه ای و آینده نگری هستند که در ادامه توضیح داده شده است:

معیارهای زمینه ای: معیارهای زمینه ای به عوامل برگرفته از ارزش و اصالت اطلاق می شود که در معاصر سازی مؤثر هستند. مهمترین عامل زمینه ای ارزشها شیوه های فرهنگی به معنی معانی و ارزش های مشترک میان - کنشگران، انسجام و اتحاد میان ساکنان هستند که در تعاریف و نظریات مورد تأکید قرار گرفته اند. از دیگر عوامل مؤثر بر عوامل زمینه ای اصالت زمان



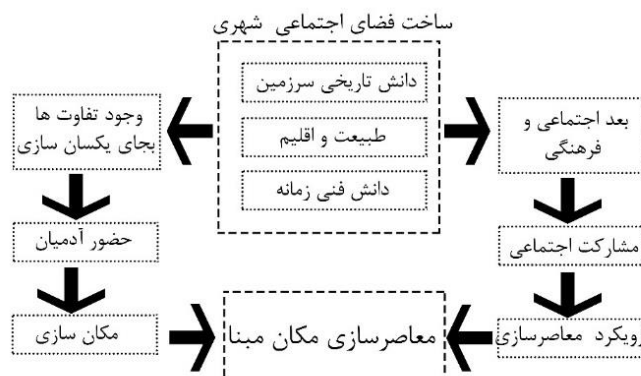
نمودار ۲: ابعاد و معیارهای مؤثر در معاصر سازی

نفوذان با در برگرفتن اهداف و فعالیت‌ها و با کار مشترک بین تمامی دست اندرکاران، طبیعت مکان را تغییر دهد (Turok, 2004: 111). به ویژه در عرصه قابلیت زندگی، هم هر سه بعد محتوایی که توسعه پایدار بر آن تأکید دارد (اقتصاد، اکولوژی و برابری) و هم ابعاد سه بعدی «فضاهای عمومی»، «سامانه‌های حرکتی» مفهومی و «طراحی بناها» قرار می‌گیرند. از این روست که به نظر می‌رسد آنچه اهمیت دارد، طراحی، کیفیت مکان، مقیاس آن، اختلاط و ارتباطات می‌باشند؛ تمام موضوعاتی که حس مکان و آگاهی‌های مردم را نسبت به محله خودشان تصریح می‌نمایند (Calthorpe 2001: 274). در دو سند از مجموعه اسناد منتشره میراث انگلستان در سال ۲۰۱۰م با عنوان «درک مکان؛ شناخت و سنجش مکان تاریخی: بررسی اصول و اقدامات عملی» و «درک مکان؛ شناخت و سنجش مکان تاریخی در بستر برنامه ریزی و توسعه» معرفی می‌گردند. هدف اصلی از ارائه دو سند نامبرده «درک و شناخت ارزش مکان تاریخی» و «اهمیت شناخت و سنجش معیارهای «اصلت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی» و در مجموع «برجستگی و منزلت مکان تاریخی» به منظور مدیریت تغییرات و توسعه در محیط تاریخی» می‌باشد. شناخت و سنجش معیار «برجستگی» مکان تاریخی ابزاری مهم و عملی برای مدیریت آگاهانه محیط‌های تاریخی می‌باشد، هدف از شناخت آن یاری رساندن به برنامه ریزان، متخصصان حفاظت، مردم، توسعه‌گران و سایر گروه‌های دخیل در مدیریت حفاظت و معاصر سازی بافت‌های تاریخی می‌باشد، به گونه‌ای که بواسطه آن بتوان گذشته را در تغییرات جدید و توسعه‌های معاصر مطرح نمود (حناجی، ۱۳۹۰).

بحث «پایداری اجتماعی» است که در «مکان پایدار» تجلی می‌یابد. گفته می‌شود که پایداری اجتماعی قطعیت توسعه است، در حالی که پایداری‌های زیست محیطی و اقتصادی اهداف توسعه پایدار و ابزارهای رسیدن به آن می‌باشند (Assefa & Frostell, 2007). پژوهش‌های قبلی در رابطه با پایداری اغلب به دغدغه‌های اقتصادی و زیست محیطی محدود می‌شدند و در مطالعات اخیر پایداری اجتماعی و به طور کلی بعد اجتماعی توسعه پایدار و نقش مردم و خواست هایشان به طرز فزاینده‌ای اهمیت یافته‌اند. تمرکز بیشتر بر این بعد، در رویکردهای توسعه شهری و به ویژه بازآفرینی نیز قویا تأثیر داشته است.

در نموداری که کلنتونیو و دیکسون (۲۰۱۱) در پژوهشی مبتنی بر بازآفرینی شهری و پایداری اجتماعی ارائه می‌نمایند. در سیر تکاملی بازآفرینی از توسعه کالبدی دهه‌های ۵۰ و ۴۰ میلادی و سپس دوره رفاه اجتماعی در دهه ۶۰ میلادی گذر کرده، تسلط دیدگاه‌های اقتصادی بر توسعه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی را ملاحظه نموده و آنگاه تا مقوله مشارکت اجتماعات محلی (که به نوعی از بنیان‌های پایداری اجتماعی محسوب می‌گردد) پیش می‌رود و تجلی آن را در دهه آغازین قرن حاضر میلادی در «مکان‌های پایدار» که نقطه ثقل پایداری اجتماعی است، لحاظ می‌نماید (Dixon & Colantonio, 2011). بنابراین تکامل معاصر سازی شهری در راستای رویکرد اجتماعی، «اجتماعات محلی» و «مکان‌های پایدار» معنادار می‌گردد.

«توروک» نیز با تأکید بر ویژگی‌های مکان معتقد است که بازآفرینی شهری در جوهره و ذات خود بر آن است تا با شرکت دادن ساکنین و دیگر ذی نفعان و ذی



نمودار ۴: هم‌نشینی مکان‌سازی و رویکرد معاصر سازی شهری

به عنوان پارادایم نوین برنامه ریزی و مدیریت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رساله دکتری با عنوان تبیین الگوی بومی بازآفرینی شهری به منظور احیای بافت‌های فرسوده به نگارش زهرا اردستانی و راهنمایی محمدرضا پورجعفر در سال ۱۳۹۴ نگاشته شده است. این رساله با هدف تعیین شاخصهای بومی بازآفرینی و الگوی مبتنی بر فرهنگ و شرایط کشور برای بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری می‌باشد.

در رساله دکتری با عنوان انشاء معیارهای نوسازی ویژه در بافت تاریخی از خلال تجارب مرمت شهری بر مبنای اصول مرمت مطالعه موردی بافت تاریخی اصفهان محله دردشت به نگارش نسیم جعفری قوام آبادی و راهنمایی دکتر محمدرضا اولیاء رضا ابوبی در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه هنر اصفهان نگاشته شده است. این رساله به دنبال پاسخ به پرسش با تحلیل نوسازیهای برتر از منظر مرمت و فضای عمومی آیا می‌توان به قواعد نوسازی در بافت دست یافته، با مدیریت فرآیند در عین نونواسازی (با احتیاط معاصر سازی) به احیاء هویت کالبدی نائل گردید؟ می‌باشد.

باتوجه به ماهیت رشته شهر سازی موضوعات آن همیشه بحث برانگیز است و در هر موضوعی نظریه‌ای واحد را نمی‌توان مطرح کرد چرا که گروه‌های مختلف با مبانی نظری‌های متفاوت که هر کدام یک سر رشته‌ای از اجزاء شهر دارند نظریه پردازی می‌کنند و یا طرح‌هایی را عملیاتی میکنند. به همین جهت در مسائل شهر سازی نمی‌توان موضوعی را با قطعیت کامل و جامع نامید. شهر به دلیل دارا بودن جنبه‌های متفاوت و هم راستا در خودش می‌تواند هم از برنامه ریزان شهری و هم از طراحان شهری الگو بگیرد. طراحی شهری و برنامه ریزی شهری را باید تواما در نظر گرفت و هیچکدام را نمی‌توان یک بعدی نگریست.

با توجه به اینکه مطالعات حول موضوع مکان در باب مطالعاتی همچون حس مکان، حس تعلق مکان، دلبستگی مکانی، هویت مکانی و ... صورت پذیرفته و موضوع مکان سازی به عنوان فرآیند طراحی و برنامه ریزی تاکنون انجام نشده است. همچنین مطالعات عمیق تر مکان سازی در ایران به صورت خاص بر خیابان متمرکز بوده است (مطالعات صورت گرفته توسط طهماسبی با عنوان رساله خیابانهای اصلی و تعاملات اجتماعی با تاکید بر نقش مولفه‌های کیفی و خلق مکان) و یا در مطالعات دیگر به رویکرد مکان- مبنا اشاره شده است (مطالعات صورت گرفته توسط نعمتی مهر با عنوان

از آنجاییکه نواحی شهری روز به روز موقعیت خود را به عنوان مراکز تولید از دست می‌دهند، برنامه‌های معاصر سازی فرصت‌های جدیدی را برای فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌دهند. بر همین اساس در پروژه‌های معاصر سازی فضاهای عمومی توجه به مقوله مکان سازی دارای اهمیت می‌باشد. نکته‌ای که حائز اهمیت است آن است که باید تمامی زیربخش‌های معاصر سازی در کنار یکدیگر در نظر گرفته شود. نمی‌توان گفت که فقط بازآفرینی فرهنگ مبنا انجام می‌دهیم، یا بازآفرینی اقتصاد مبنا یا ... عمده کردن هر یک از اینها، نفی و یا کم رنگ کردن دیگری است. به همین جهت می‌توان گفت در بحث مرمت شهری می‌بایستی رویکرد معاصر سازی مکان مبنا مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

در هیچیک از پژوهشهای قبل به طور اخص به موضوع معاصر سازی فضاهای شهری پرداخته نشده است. در رساله دکتری با عنوان معاصر سازی پهنه‌های فرسوده مرکز شهر مشهد با رویکرد ارتقاء کیفیت سکونت که در دی ماه سال ۱۳۹۵ توسط نونا مسگرانی و راهنمایی دکتر محمد اجزاء شکوهی در دانشگاه فردوسی مشهد نگاشته شده است به موضوع شناسایی عوامل تهدیدزا و دلایل افت کیفیت پهنه‌های مسکونی پرداخته شده است و همچنین در جستجوی راه حل‌هایی برای معاصر سازی و بازگرداندن مفهوم سکونت به این گونه بافتها با هدف ایجاد پایداری می‌باشد.

در رساله ارائه و تبیین الگوی بازآفرینی شهری با تاکید بر رویکرد فرهنگ مبنا مطالعه موردی بافت تاریخی فرهنگی شهر شیراز به نگارش پگاه ایزدی و راهنمایی دکتر زهره هادیانی و علی حاجی نژاد که در تیرماه ۱۳۹۶ در دانشگاه سیستان و بلوچستان نگاشته شده است به موضوع با تکیه بر فرهنگ و پتانسیل‌های مکان، الگو و راهبردهای تحقق پذیری رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در منطقه تاریخی شیراز ارائه شده است.

رساله دکتری با عنوان مدیریت بازآفرینی شهری، با تاکید بر فرآیندهای حکمروایی محلی نمونه موردی شهر تهران به نگارش هانیه هودسنی و راهنمایی دکتر محمدرضا پورجعفر و مجتبی رفیعیان در سال ۱۳۹۴ نگاشته شده است. این پژوهش با استفاده از رویکرد پژوهش کیفی و استفاده از راهبرد پژوهش نظریه سازی بنیادی، ضمن در نظر گرفتن بعد رویه‌ای بازآفرینی شهری، فرآیند حکمروایی همکارانه در بازآفرینی شهری

رساله محله قابل زندگی رویکرد مکان - مبنا در ارائه تعاریف عملیاتی قابلیت زندگی محلات نمونه موردی: تهران) می‌توان ادعا نمود که این مطالعه دارای جنبه‌ای از نوآوری است و در پی کشف و تبیین فرآیند معاصر سازی مکان مبنا در محلات تاریخی است.

تحقیق پیش رو به جهت بررسی فضاهای شهری محلات مسکونی تاریخی از یک جهت و همچنین به علت بررسی فرآیند معاصر سازی مکان به صورت خاص و تطبیق آن با زمینه ی بومی ایران، تحقیقی نوین محسوب می‌گردد. در حقیقت تدوین فرآیندی جهت بررسی مکان و معاصر سازی آن در محلات تاریخی تهران با توجه به تعدد فضاهای شهری در محلات تاریخی و زیرفضاهای هریک، به صورت ویژه در مطالعات داخل و خارج از ایران صورت نپذیرفته است.

فرضیه پژوهش

فرضیه‌ها گزاره‌ها و احکامی هستند که محقق براساس آنها کار تحقیق خود را شروع می‌کند و با نگاه به آنها ابعاد مختلف پژوهش را چه به حیث روش و چه محتوا سامان می‌دهد.

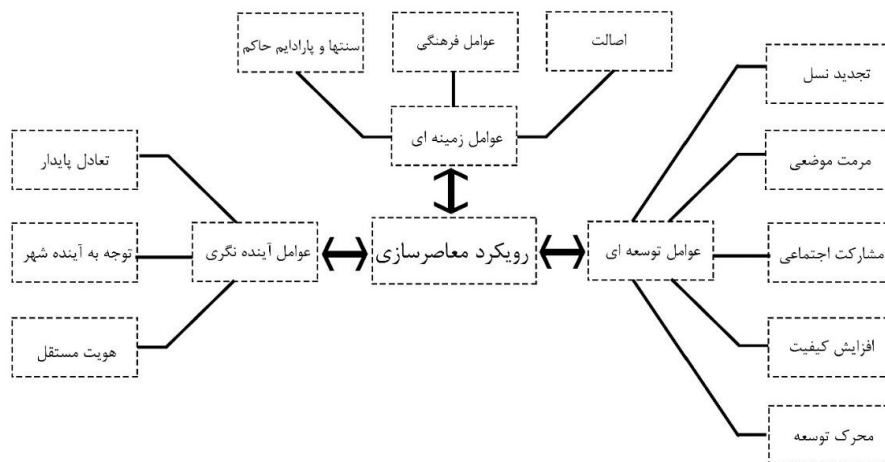
به نظر می‌رسد عوامل زمینه ای، توسعه ای، آینده نگری، تعاملات اجتماعی و بازتولید ناخودآگاه به عنوان متغیرهای مستقل و معاصر سازی مکان مبنا به عنوان متغیر وابسته عمل کرده و هر چه به معاصر سازی فضاهای شهری محلات تاریخی اهمیت داده شود آن فضای شهری بیشتر واجد ارزش‌های مکانی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر نیازمند برخوردی کیفی است از این رو مبنای هستی شناسی تحقیق آزادپژوهی است. به این معنا که نه ساختارگرایانه است و نه اثبات گرایانه بلکه براساس تفسیر مبتنی بر نظر متخصصین می‌باشد. راهبرد اصلی تحقیق استدلال منطقی است که به روش تحلیل عاملی و مقایسه داده‌های کیفی تهیه شده است. به منظور افزایش اعتبار گزینش، انتخاب نمونه‌ها در مرحله نخست توسط محقق با ابزار مشاهده و سپس از طریق مصاحبه با متخصصین و کارشناسان این حوزه، طی عملیاتی پیمایشی انجام گرفت. برای ارزیابی روایی محتوایی از نظر متخصصان در مورد میزان هماهنگی محتوای ابزار اندازه‌گیری و هدف پژوهش، استفاده می‌شود. برای این منظور دو روش کیفی و کمی در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله برای ارزیابی میزان پایایی

ابزارهای تحقیق از روش همسانی درونی یا آلفای کرونباخ استفاده شده است. تحقیق در سه محله تاریخی در تهران با الگوهای متفاوت انتخاب شده است محله کاشانک واقع در منطقه ۱، محله میدان خراسان واقع در منطقه ۱۲، محله منیریه واقع در منطقه ۱۱. ملاک انتخاب این محلات سابقه تاریخی، تنوع اقتصادی و همچنین تنوع اجتماعی بوده است. داده‌ها از طریق ثبت مشاهدات شخصی و تکمیل پرسشنامه در نمونه‌ها انجام خواهد شد. به دلیل دستیابی به اطلاعات معتبر مشارکت کنندگان، ابتدا پرسشنامه ویژه‌ای در میان ۲۵ متخصص شهرسازی دانشگاه‌های ایران توزیع شد. در نهایت پس از دستیابی به پایایی و روایی و تکمیل متغیرهای تحقیق پرسشنامه محقق ساخته در بین ساکنین محلات مورد مطالعه توزیع گردید. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده مقدار ۳۸۱/۷۶ می‌باشد که گرد شده آن ۳۸۲ می‌باشد. در مرحله بعد جهت بررسی دقیق متغیرهای پژوهش ابتدا براساس مدل مفهومی که نتیجه بررسی متون و نظریات و اسناد مطرح شده در حوزه رویکرد معاصر سازی شهری از یک سو و رویکرد بازتولید مکان شهری از سوی دیگر می‌باشد، بررسی شد و در مرحله بعد پرسشنامه محقق ساخته که برآورد متغیرهای چارچوب نظری و نظر متخصصین می‌باشد، تدوین می‌شود. تهیه این پرسشنامه‌های محقق ساخته و بسته پاسخ، که بر مبنای طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و کاملاً براساس طرح کلی، سوال‌های اصلی و فرعی و فرضیه‌های تحقیق طراحی شده اند، سوالات پرسشنامه در قالب معیارهای تحقیق متشکل از ۱۷ متغیر دارای ۴۹ سوال تهیه می‌گردد که هر سوال پرسشنامه یک مولفه را پوشش می‌دهد و ساکنین براساس احساسشان این سوالات رو پاسخ می‌دهند.

در جهت رسیدن به اهداف اصلی مقاله به منظور ارزیابی اعتبار ویژگی‌ها و مشخصه‌های محیطی تبیین شده در هر پرسشنامه، تحقیق در معناداری رابطه تصور شده میان ویژگی‌های محیطی و گزاره‌های طرح شده در مورد چگونگی معاصر سازی فضاهای شهری محلات تاریخی و بازتولید مکان شهری و رتبه بندی فاکتورهای اثرگذار بر معاصر سازی فضاهای شهری محلات تاریخی و بازتولید مکان شهری، از مدل سازی معادلات ساختاری SEM و تحلیل عاملی تاییدی CFA استفاده شده است. ذکر این نکته لازم است که در تحلیل و ارزیابی داده‌های این مقاله، نرم افزارهای EXEL، SPSS، PLS SMART به کار گرفته شده اند.



نمودار ۵: ارتباط میان معیارهای موثر بر رویکرد معاصر سازی

بسیاری در این زمینه تاثیرگذار هستند. سه عامل زمینه‌ای اصلی و کلیدی وجود دارند که در ترکیب با یکدیگر تاثیر عمده‌ای را بر روی فرآیند بازتولید مکان می‌گذارند. مکان توسط افراد و گروه‌ها و از طریق ادغام فضا و معنا تولید می‌شود. فرآیندی که در طراحی شهری به تولید مکان منجر می‌شود، فرآیندی مشارکتی و انعطاف پذیر که باید با توجه به نیازها و اولویت‌های استفاده کنندگان، تعاملات روزانه و تجربه افراد از مکان‌ها صورت گیرد و این امر تنها در یک فضای مشارکتی امکان پذیر خواهد بود. بستر و زمینه موجود (تاریخ و سنت‌های مکان، نظام سیاسی حاکم، روابط قدرت میان ذی نفعان)، فرآیندهای طراحی، توسعه، استفاده و مدیریت، و روابط قدرت و تعاملات و تجارب روزمره نمایانگر یک چارچوب یکپارچه هستند که در خلال زمان بر روی تولید و بازتولید مکان‌ها تاثیر می‌گذارند.

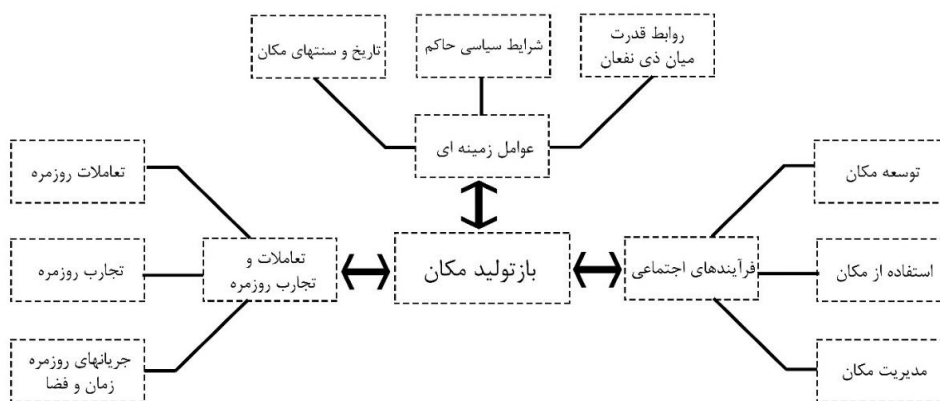
بحث

۱) معاصر سازی مکان مینا

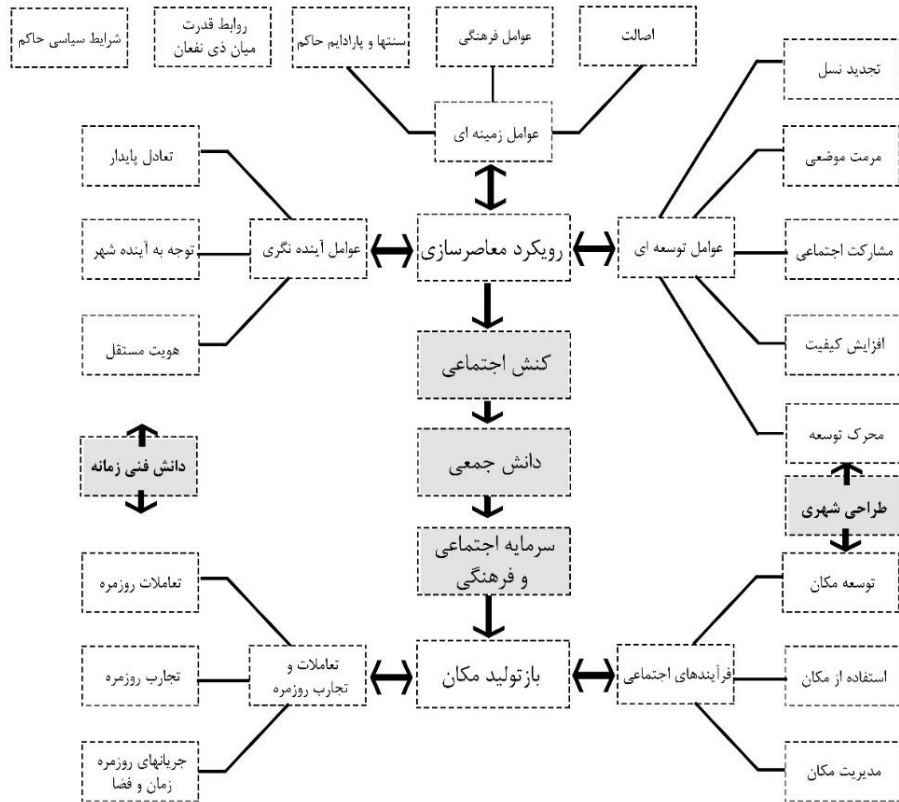
در این بخش جمع بست دستاوردهای نظری - مفهومی پژوهش حاضر ارائه شده است. در ادامه مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش که بیان کننده رویکرد معاصر سازی مکان-مینا است، تدوین گردیده است. این مدل مفهومی بیانگر مجموع روابط میان مفاهیم و معیارهای تحقیق به منظور کاربست در چارچوب تحلیلی - تجربی پژوهشی است.

با بررسی تطبیقی و محتوایی اسناد مطرح شده و تعاریف نظریه پردازان مجموعه‌ای از ابعاد، معیارها و مولفه‌های معاصر سازی را میتوان به صورت نمودار ۵ پیشنهاد داد.

بازتولید مکان‌های شهری دارای دو جنبه آگاهانه و ناخودآگاه است. تولید مکان‌های شهری تنها از طریق طراحان و اقدامات آگاهانه و از پیش اندیشیده شده طراحی شهری صورت نمی‌گیرد، بلکه فرآیندها و عوامل



نمودار ۶: ارتباط میان معیارهای تبیین کننده بازتولید مکان

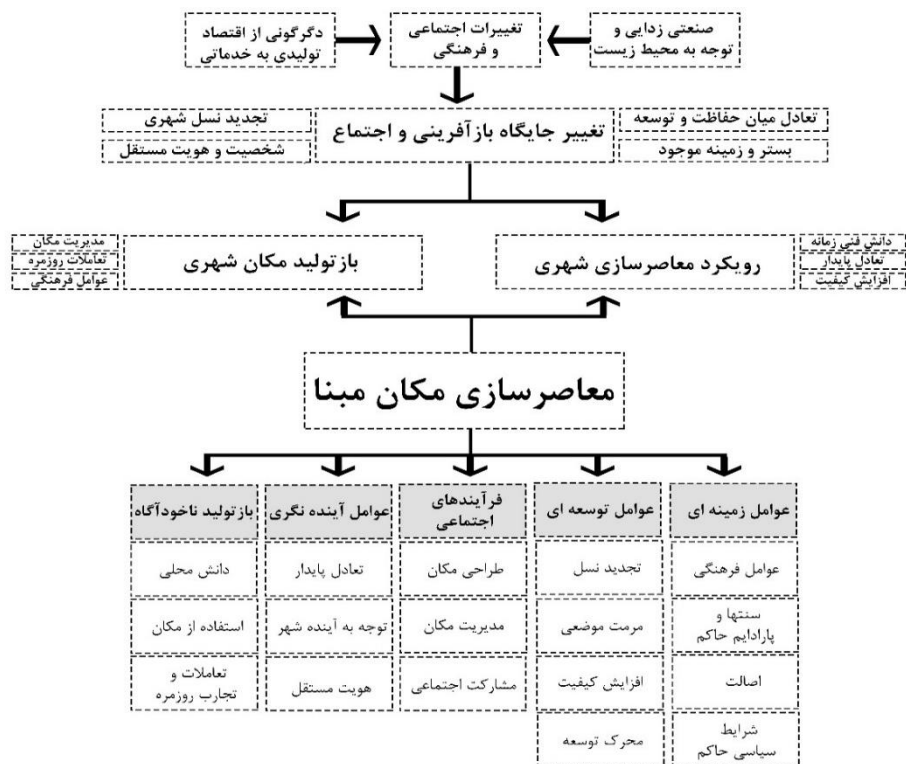


نمودار ۷: ارتباط میان مؤلفه‌های تبیین کننده رویکرد معاصر سازی و بازتولید مکان

مفاهیمی چون تعادل میان حفاظت و توسعه، توجه بستر و زمینه موجود، تجدید نسل شهری، حفظ شخصیت و هویت مستقل شاخص است به همین جهت رویکرد معاصر سازی شهری از یک طرف و بازتولید مکان شهری از طرف دیگر دارای اهمیت است. با استناد به دیدگاه‌های مورد بررسی نوع نگاه و همچنین جهت گیری این پژوهش در زمینه تبیین رویکرد معاصر سازی مکان-مبنا در پنج بعد اصلی «عوامل زمینه ای»، «عوامل توسعه ای»، «عوامل آینده نگری»، «فرآیندهای اجتماعی»، «تعمیرات و تجارب روزمره» قابل طرح و تعریف می‌باشند. به این ترتیب که بعد عوامل زمینه‌ای شامل ۴ معیار (ارزش‌ها و شیوه‌های فرهنگی، سنت و پارادایم حاکم، اصالت، شرایط سیاسی حاکم)، بعد عوامل توسعه‌ای شامل ۴ معیار (تجدید نسل، مرمت موضعی، افزایش کیفیت، محرک توسعه)، بعد عوامل آینده نگری شامل ۳ معیار (تعادل پایدار، توجه به آینده شهر، هویت مستقل)، بعد فرآیندهای اجتماعی شامل ۳ معیار (طراحی مکان، مدیریت مکان، مشارکت اجتماعی و فرهنگی)، بعد تعاملات و تجارب روزمره شامل ۳ معیار (دانش محلی، استفاده از مکان، تعاملات و تجارب روزمره) می‌باشد.

چارچوب نظری - مفهومی پژوهشی که محصول بررسی متون نظری مربوط به موضوع و سنتز محتوای مطالعات انجام شده در این زمینه به ویژه شامل نظریه‌های کلیدی و قابل توجه بر مبنای نوع نگاه و جهت گیری متاثر از سه گانه مسائل، سؤالات و اهداف است. با استناد به دیدگاه‌های مورد بررسی نوع نگاه و همچنین جهت گیری این پژوهش در زمینه تبیین رویکرد معاصر سازی مکان-مبنا در پنج بعد اصلی «عوامل زمینه ای»، «عوامل توسعه ای»، «فرآیندهای اجتماعی»، «عوامل آینده نگری»، «تعمیرات و تجارب روزمره» قابل طرح و تعریف می‌باشند. نمودار ذیل شامل ابعاد معاصر سازی مکان مبنا به همراه مؤلفه‌های مربوط به هر یک از ابعاد است.

در نمودار شماره ۸ مدل مفهومی تحقیق نشان داده می‌شود که به دنبال برقراری ارتباط بین رویکرد معاصر سازی و بازتولید مکان می‌باشد. در حوزه مرمت شهری شهرها در پی صنعتی زدایی و توجه به محیط زیست از یک سو و دگرگونی از اقتصاد تولیدی به خدماتی از سوی دیگر شاهد تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تغییر جایگاه رویکرد بازآفرینی شهری می‌باشند. در قرن حاضر در مرمت فضاهای شهری بروز



نمودار ۸: چگونگی پیدایش رویکرد معاصر سازی مکان مبنا

در این مرحله جهت بررسی دقیق متغیرهای پژوهش ابتدا براساس مدل مفهومی بیان شده و نتیجه بررسی متون و نظریات و اسناد مطرح شده در حوزه رویکرد معاصر سازی شهری از یک سو و رویکرد باز تولید مکان شهری از سوی دیگر می باشد، متغیرها طبق جدول زیر بیان شده اند. در مرحله انتهایی پرسشنامه محقق ساخته که برآورد متغیرهای چارچوب نظری و نظر متخصصین می باشد، تدوین می شود.

جدول ۱: ابعاد، مولفه ها و معیارهای معاصر سازی مکان مبنا

منابع پشتیبان	معیارها	مؤلفه ها	بعد اصلی
منشور فاس (۱۹۹۳)، سند نارا (۱۹۹۴)، بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، پیشنهاد اینتبانو (۲۰۰۶)، منشور ایکوموس (۲۰۰۸)، میراث انگلستان (۲۰۱۰) Arefi, 2014; Markussen, 2011; Marchart, 1998; Dobbins, 2009; Fischer, 1995	ارزش های مکان در طول زمان، محیط های فرهنگی، فرهنگ متخصص محور یا مردم محور، اعتماد به تصمیمان مدیریت شهری	ارزش ها و شیوه های فرهنگی	عوامل زمین های و تاریخی
لئونارد وینه ولو، کوین لینچ، کنزو تانگه، تری فارل، رنزو پیانو منشور ایکوموس نیوزلند (۱۹۹۳)، سند نارا (۱۹۹۴)، بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶)، منشور نهایی بورا (۱۹۹۹)، بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰)، منشور کراکف (۲۰۰۰)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، اظهارنامه بیت المقدس (۲۰۰۶)، پیشنهاد اینتبانو (۲۰۰۶)، میراث انگلستان (۲۰۰۸) Barlow, 2000;	تاریخچه مکان و حفاظت تاریخی، میراث شهری و ایجاد هویت مکانی، ویژگی های تاریخی و عملکردی	سنت و پارادایم حاکم	عوامل زمینه ای
کریستوفر الکساندر، کوین لینچ، ریچارد راجرز سند نارا (۱۹۹۴)، بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶)، منشور نهایی بورا (۱۹۹۹)، بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰)، منشور کراکف (۲۰۰۰)، اظهارنامه بیت المقدس (۲۰۰۶)، منشور ایکوموس (۲۰۰۸)، میراث انگلستان (۲۰۱۰)	معیارهای اصالت و یکپارچگی، ساختارهای کالبدی و غیر کالبدی شهر	اصالت	عوامل توسعه ای

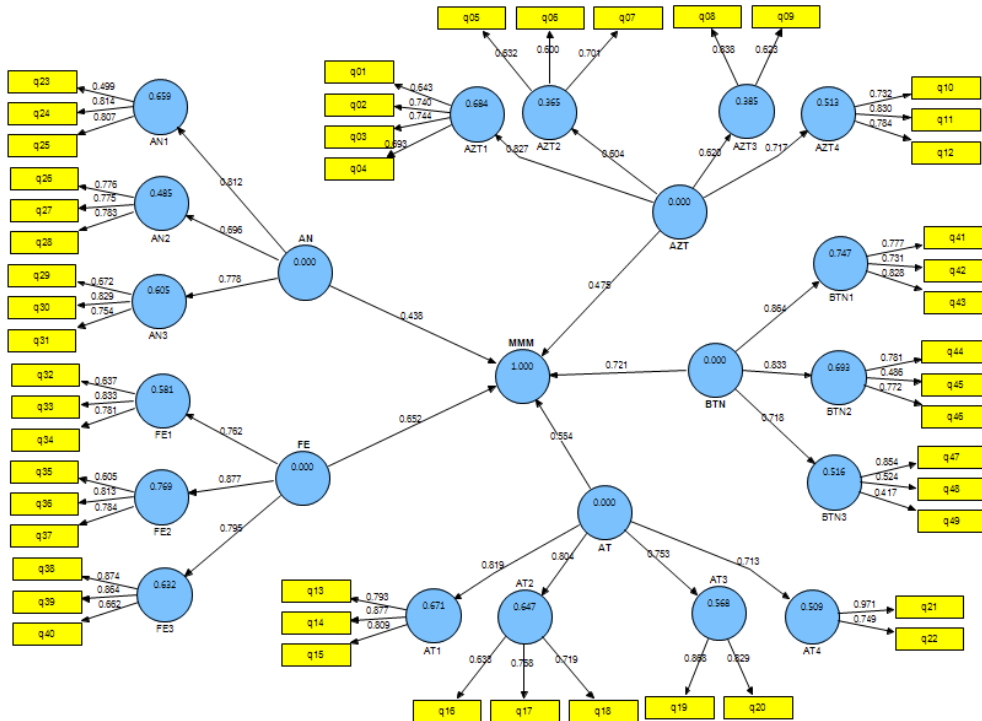
مبدا اصلی	مؤلفه ها	معیارها	منابع پشتیبان
	شرایط سیاسی حاکم	گروه‌های مختلف برای مداخله در طرح، قدرت میان ذی نفعان، نیروهای غیرکالبدی	Ulrich,1983; Marchart,1998 Heidegger 1971,1993 Casey 1996,1997;DeLanda,2006;Deleuze and Guattari,1987;Dovey,2010
عوامل توسعه‌ای	تجدید نسل	به روز نگه داشتن و پاسخ به نیازهای نو، نوپردازی، کاربست فناوری،	کنستانتین دوکسیادس، کامیلو بویی نو، کنزو تانگه، راب کریر، تری فارل، ریچارد راجرز منشور نهایی بورا (۱۹۹۹)، اعلامیه سانتیناگودو کومپوستلا (۱۹۹۹)، بیانیه مکزیکوسییتی (۲۰۰۰)، منشور کراکف (۲۰۰۰)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، پیشنهاد اینتپائو (۲۰۰۶)، میراث انگلستان(۲۰۱۰)
	مرمت موضعی	تغییرات دفعی و تخریب ساختارهای تاریخی، تعمیر و مرمت موضعی، تغییرات از منظر کنشگران	لوئیس مامفورد، تری فارل منشور نهایی بورا (۱۹۹۹)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، پیشنهاد اینتپائو (۲۰۰۶)
	افزایش کیفیت	حس رضایت کنشگران، کیفیت مکان	راب کریر، رنزو پیانو، ریچارد راجرز بیانیه بوداپست (۲۰۰۲)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، میراث انگلستان(۲۰۱۰)
	محرك توسعه	منابع مالی، کاربری‌های محرك توسعه	پیتر لارکهام (م۱۹۹۹)، میراث انگلستان(۲۰۱۰) Cook,2008;Kitchen,2007; Carmona,M and Tiesdell, S. 2007;Hopkins 2001
آینده نگری	تعادل پایدار	محیط انسان ساخت و زمینه تاریخی، ملاحظات پایداری و معاصر سازی، دانش‌های محلی و جهانی	لوئیس مامفورد، لئوناردوبنه ولو، کریستوفر الکساندر، رنزو پیانو، بیانیه بوداپست (۲۰۰۲)، اظهارنامه بیت المقدس (۲۰۰۶)، میراث انگلستان(۲۰۰۸)
	توجه به آینده شهر	میراث آینده، میراث مشترک و میراث در خطر، فضای شهری و مکان‌سازی	کوبین لینچ، رنزو پیانو، ریچارد راجرز منشور کراکف (۲۰۰۰)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، میراث انگلستان(۲۰۰۸)، میراث انگلستان(۲۰۱۰)
	هویت مستقل	سازمان فضایی مستقل، نوآوری در مدیریت شهری، نشانه‌های منحصربه فرد شهری	راب کریر بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶)، یادنامه وین (۲۰۰۵)، میراث انگلستان(۲۰۱۰)
فرایندهای اجتماعی	طراحی مکان	محرك و انگیزه مداخله، شناخت مکان توسط طراح، ایده و کانسپت طراحی	.Arefi,2014;Schneekloth,L And Shibley,R. 1995; Martin,D. G. 2003;PPS
	مدیریت مکان	مسؤولیت مکان محور، امنیت مکان، نگهداری مکان	Kitchen,2007; Carmona,M and Tiesdell, S. 2007;Hopkins 2001
	مشارکت اجتماعی و فرهنگی	منافع حاصل از تغییرات، منافع رقیب گروه‌های مختلف، متخصصین و ذی نفعان و ذی نفوذان،	کوبین لینچ اعلامیه سانتیناگودو کومپوستلا (۱۹۹۹) Perry-Smith,2006;Meroni et,al. 2013;Paulus and Yang,2000;DiSalvo,2010;Hester,1987;Madanipour ,2014 Brown,2009
باز تولید ناخودآگاه	دانش محلی استفاده از مکان	شناخت مکان، خاطرات مکان، تغییرات مکان، گردهمایی‌ها و اجتماع گروه‌های خاص، امکانات و تسهیلات مکان، تغییر مکان از طریق استفاده کنندگان	Lefebvre 1991;Carmona, M and Tiesdell,S. 2007 Lefebvre 1991;Carmona, M and Tiesdell,S. 2007
	تعاملات و تجارب روزمره	همه شمولی و حضور پذیری، رفتارهای اجتماعی روزانه و تکراری، حرکت روزمره در فضا	DiSalvo,2010;Marchart, 1998;Tuan,1974, 1977,1991;Relp,E,1976;Lefebvre 1991;Soja 1999,1991

PLS مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین

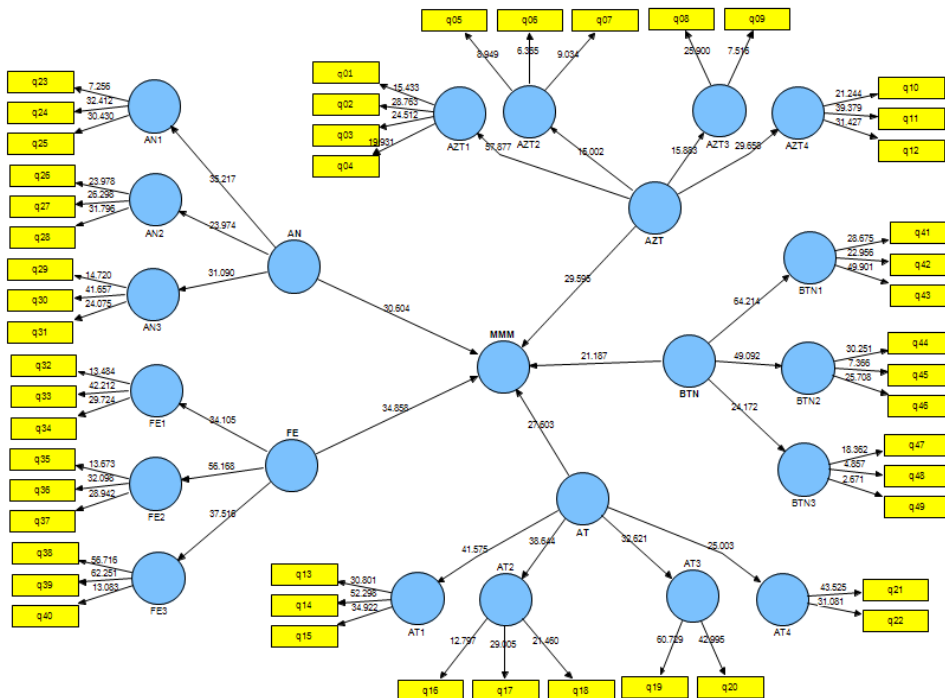
(۲) اثبات فرضیه

استاندارد و در حالت ضرایب معناداری محاسبه شد و در نمودارهای ۹ و ۱۰ نمایش داده شده اند.

به منظور ارزیابی فرضیه، مدل معادلات ساختاری زیر ارائه می‌گردد. با بهره گیری از نرم افزار Smart



نمودار ۹: مدل معادلات ساختاری فرضیات تحقیق در حالت تخمین استاندارد



نمودار ۱۰: مدل معادلات ساختاری فرضیات تحقیق در حالت ضرایب معناداری

جدول ۲: مقایسه شاخص‌های برازش مدل با میزان مجاز

شاخص	نماد	مقدار مجاز	ضرایب محاسبه شده	نتیجه
شاخص نیکویی برازش	GFI	بالاتر از ۰٫۹	۰٫۹۷	برازش خوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته	AGFI	بالاتر از ۰٫۹	۰٫۹۲	برازش خوب
شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده	RMR	نزدیک به صفر	۰٫۱۱	برازش خوب
شاخص برازش هنجار یافته	NFI	بالاتر از ۰٫۹	۰٫۹۹	برازش خوب
شاخص برازش افزایش	IFI	بالاتر از ۰٫۹	۰٫۹۷	برازش خوب

گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که عوامل زمینه‌ای و تاریخی بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. (جدول ۳)

عوامل توسعه‌ای بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. فرضیات آماری آزمون عبارتند از: فرض صفر: عوامل توسعه‌ای بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار نیست. فرض برهان: عوامل توسعه‌ای بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. به منظور آزمون این فرضیه از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات (شکل‌های ۹ و ۱۰) استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌گردد.

نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات نشان می‌دهد که بار عاملی بین دو متغیر مکنون عوامل توسعه‌ای و معاصرسازی مکان-مبنا برابر با ۰٫۵۵۴ است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰٫۰۳، ۲۷٫۶۰۳) که بزرگتر از ۰٫۰۵ می‌باشد، لذا فرض صفر رد شده و فرض برهان تأیید می‌گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت عوامل توسعه‌ای بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. (جدول ۴)

آینده نگری بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. فرضیات آماری آزمون عبارتند از: فرض صفر: آینده نگری بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار نیست. فرض برهان: آینده نگری بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. به منظور آزمون این فرضیه از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات (شکل‌های ۹ و ۱۰) استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌گردد.

برای بررسی میزان برازش مدل از شاخص‌های خاصی استفاده می‌گردد که در جدول ۲ میزان محاسبه شده این شاخص‌ها در مقایسه با مقدار مجاز آمده است، که نتایج حاکی از برازش مطلوب مدل می‌باشد.

زمانی مدل معادلات ساختاری نیکو است که ضرایب محاسبه شده جدول فوق در محدوده مجاز قرار گرفته باشند، اگر ضرایب محاسبه شده در خارج از محدوده مجاز باشند، بدین معنی است که آن شاخص ضعیف برازش شده است. وضعیت شاخص‌های مدل معادلات ساختاری ارائه شده در شکل‌های ۹ و ۱۰ در جدول ۲ نشان داده شده است. مقایسه ستون ضرایب محاسبه شده با ستون محدوده مجاز نشان می‌دهد که شاخص‌های برازش مدل مناسب هستند.

عوامل زمینه‌ای و تاریخی بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. فرضیات آماری آزمون عبارتند از: فرض صفر: عوامل زمینه‌ای و تاریخی بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار نیست. فرض برهان: عوامل زمینه‌ای و تاریخی بر معاصرسازی مکان-مبنا تاثیرگذار است. به منظور آزمون این فرضیه از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات (شکل‌های ۹ و ۱۰) استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌گردد.

نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات نشان می‌دهد که بار عاملی بین دو متغیر مکنون عوامل زمینه‌ای و تاریخی و معاصرسازی مکان-مبنا برابر با ۰٫۴۷۵ است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰٫۰۰۵، ۲۹٫۵۹۵) که بزرگتر از ۰٫۰۵ می‌باشد، لذا فرض صفر رد شده و فرض برهان تأیید می‌گردد.

جدول ۳: نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه اول

نتیجه فرضیه	تحلیل مدل معادلات ساختاری		متغیرها
	سطح معناداری	بار عاملی	
قبول	۲۹٫۵۹۵	۰٫۴۷۵	مستقل عوامل زمینه‌ای و تاریخی (AZT)
			وابسته معاصرسازی مکان-مبنا (MMM)

جدول ۴: نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه دوم

نتیجه فرضیه	تحلیل مدل معادلات ساختاری		متغیرها
	سطح معناداری	بار عاملی	
قبول	۲۷،۶۰۳	۰،۵۵۴	مستقل (عوامل توسعه‌ای (AT)
			وابسته (معاصر سازی مکان-مبنا (MMM)

جدول ۵: نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه سوم

نتیجه فرضیه	تحلیل مدل معادلات ساختاری		متغیرها
	سطح معناداری	بار عاملی	
قبول	۳۰،۶۰۴	۰،۴۳۸	مستقل (آینده نگری (AN)
			وابسته (معاصر سازی مکان-مبنا (MMM)

دست آمده (۳۴،۸۵۸) که بزرگتر از ۱،۹۶ می‌باشد، لذا فرض صفر رد شده و فرض برهان تأیید می‌گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که فرایندهای اجتماعی بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. (جدول ۶)

باز تولید ناخود آگاه بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. فرضیات آماری آزمون عبارتند از: فرض صفر: باز تولید ناخود آگاه بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار نیست. فرض برهان: باز تولید ناخود آگاه بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. به منظور آزمون این فرضیه از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات (شکل‌های ۹ و ۱۰) استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌گردد.

نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات نشان می‌دهد که بار عاملی بین دو متغیر مکنون باز تولید ناخود آگاه و معاصر سازی مکان-مبنا برابر با ۰،۷۲۱ است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۲۷،۶۰۳) که بزرگتر از ۱،۹۶ می‌باشد، لذا فرض صفر رد شده و فرض برهان تأیید می‌گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که باز تولید ناخود آگاه بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. (جدول ۷)

نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات نشان می‌دهد که بار عاملی بین دو متغیر مکنون آینده نگری و معاصر سازی مکان-مبنا برابر با ۰،۴۳۸ است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۳۰،۶۰۴) که بزرگتر از ۱،۹۶ می‌باشد، لذا فرض صفر رد شده و فرض برهان تأیید می‌گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که آینده نگری بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. (جدول ۵)

فرایندهای اجتماعی بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. فرضیات آماری آزمون عبارتند از: فرض صفر: فرایندهای اجتماعی بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار نیست. فرض برهان: فرایندهای اجتماعی بر معاصر سازی مکان-مبنا تاثیر گذار است. به منظور آزمون این فرضیه از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات (شکل‌های ۹ و ۱۰) استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌گردد.

نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیات نشان می‌دهد که بار عاملی بین دو متغیر مکنون فرایندهای اجتماعی و معاصر سازی مکان-مبنا برابر با ۰،۶۵۲ است. با توجه به سطح معناداری به

جدول ۶: نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه چهارم

نتیجه فرضیه	تحلیل مدل معادلات ساختاری		متغیرها
	سطح معناداری	بار عاملی	
قبول	۳۴،۸۵۸	۰،۶۵۲	مستقل (فرایندهای اجتماعی (FE)
			وابسته (معاصر سازی مکان-مبنا (MMM)

جدول ۷: نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه چهارم

نتیجه فرضیه	تحلیل مدل معادلات ساختاری		متغیرها
	سطح معناداری	بار عاملی	
قبول	۲۷،۶۰۳	۰،۷۲۱	مستقل (باز تولید ناخود آگاه (BTN)
			وابسته (معاصر سازی مکان-مبنا (MMM)

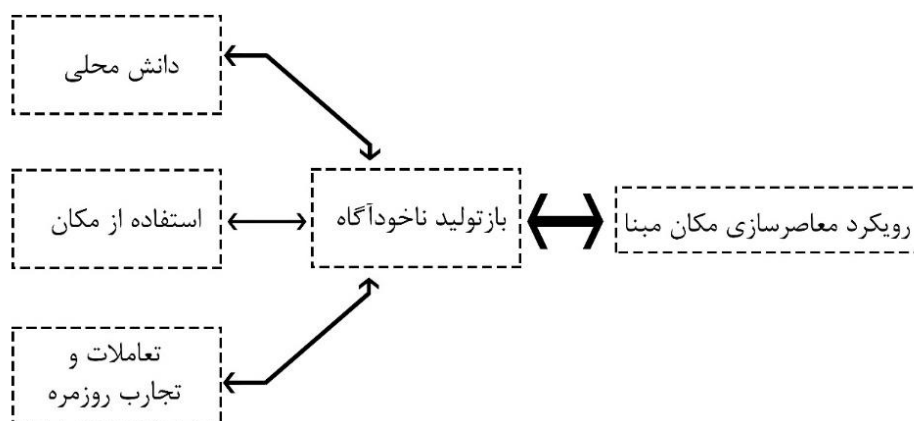
نتیجه گیری

برخوردارند، را بیان نمود. با استناد به دیدگاه‌های مورد بررسی نوع نگاه و همچنین جهت گیری این پژوهش درزمینه تبیین رویکرد معاصر سازی مکان-مبنا در پنج بعد اصلی «عوامل زمینه ای»، «عوامل توسعه ای»، «عوامل آینده نگری»، «فرآیندهای اجتماعی»، «بازتولیدناخودآگاه» قابل طرح و تعریف می‌باشند.

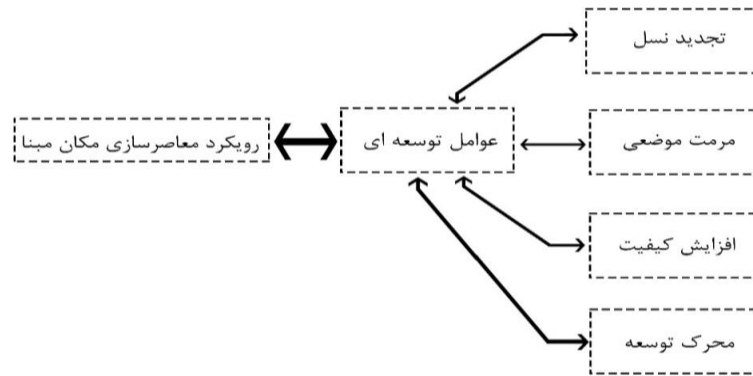
به طور کلی می‌توان به این نتیجه رسید که عامل بازتولید ناخودآگاه بیشترین تاثیر را بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا دارد. به همین جهت دانش محلی، استفاده از مکان و تعاملات و تجارب از معیارهای تاثیرگذار بر این فرآیند می‌باشند. که باب تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان به این نتیجه رسید که معیار تعاملات و تجارب روزمره بیشترین تاثیر رو بر بازتولیدناخودآگاه و به تبع آن بر فرآیند رویکرد معاصر سازی مکان مبنا خواهد داشت. بخشی از فرآیند معاصر سازی مکان مبنا به صورت طبیعی و ناآگاهانه توسط مردمی که فضا را اشغال می‌کنند، در آن به فعالیت می‌پردازند و آن را به مکان تبدیل می‌کنند، انجام می‌گیرد و از این رو فرآیند معاصر سازی مکان مبنا فرآیندی تدریجی، مداوم و زمان بر و بی پایان است. معاصر سازی مکان توسط افراد و گروه‌ها و از طریق ادغام فضا و معنا تولید می‌شود. فرآیندی که در معاصر سازی به تولید مکان منجر می‌شود، فرآیندی مشارکتی و انعطاف پذیر که باید با توجه به نیازها و اولویت‌های استفاده کنندگان، تعاملات روزانه و تجربه افراد از مکان‌ها صورت گیرد و این امر تنها در یک فضای مشارکتی با استفاده از دانش فنی زمانه امکان پذیر خواهد بود.

نتایج تحلیل عاملی تائیدی مرتبه اول و دوم برای متغیرهای عوامل زمینه‌ای و تاریخی (شامل ابعاد: ارزش‌ها و شیوه‌های فرهنگی، سنت و پارادایم حاکم، اصالت، شرایط سیاسی حاکم)، عوامل توسعه‌ای (شامل ابعاد: تجدید نسل، مرمت موضعی، افزایش کیفیت و محرک توسعه)، آینده نگری (شامل ابعاد: تعادل پایدار، توجه به آینده شهر و هویت مستقل)، فرایندهای اجتماعی (شامل ابعاد: طراحی مکان، مدیریت مکان و مشارکت اجتماعی و فرهنگی) و بازتولید ناخودآگاه (شامل ابعاد: دانش محلی، استفاده از مکان و تعاملات و تجارب روزمره) نشان داد که در تحلیل عاملی تائیدی مرتبه اول، تمامی سوالات دارای بار عاملی بیشتر از ۰،۴ و سطح معناداری بیشتر از ۱،۹۶ می‌باشند. لذا سوالات برای مدل معادلات ساختاری مد نظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تائیدی مرتبه دوم نشان داد که تمامی ابعاد مورد نظر در این تحقیق دارای بار عاملی بیشتر از ۰،۴ و سطح معناداری بیشتر از ۱،۹۶ می‌باشند. لذا مدل اندازه‌گیری آن مناسب و کلیه اعداد و پارامترهای مدل معنادار است.

با تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا، مدل پژوهش که بیانگر مجموع روابط میان مفاهیم و مولفه‌های تحقیق می‌باشد، قابل بررسی است. رویکرد معاصر سازی مکان-مبنا همچنان که در نمودارهایی که در ادامه قابل ارائه است تبیین و تدوین شده است. با جمع بندی پژوهش حاضر در زمینه رویکرد معاصر سازی مکان مبنا می‌توان پنج دسته از مؤلفه‌هایی که در معاصر سازی مکان مبنا از نقش و تأثیر اساسی



نمودار ۱۱: ارتباط میان مؤلفه‌های بازتولیدناخودآگاه موثر بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا



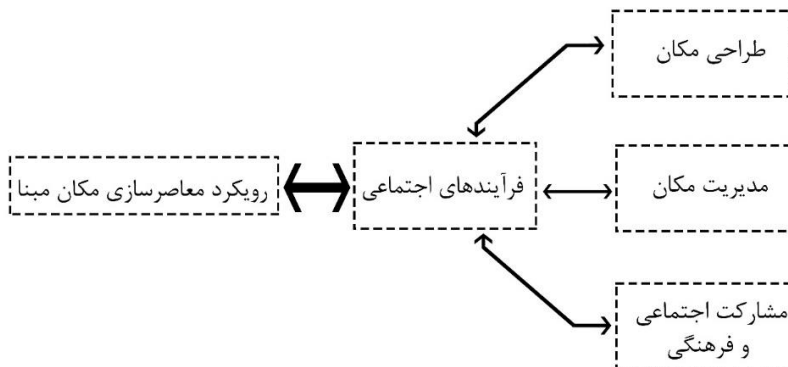
نمودار ۱۲: ارتباط میان مؤلفه های توسعه ای موثر بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا

فرآیندها در قالب سه محور اصلی مشارکت اجتماعی، مدیریت و طراحی مکان طبقه بندی گردیدند و معاصر سازی مکان مبنا یک فرآیند اجتماعی است و مکانها حاصل فرآیندهای موازی و هم زمان مشارکت، مدیریت، طراحی و تعامل میان نیروهای سیاسی و روابط قدرت در طول زمان هستند.

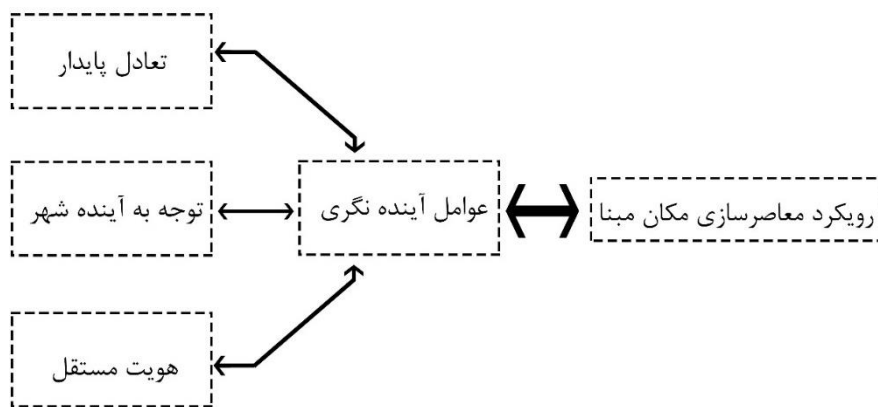
عامل چهارم و تاثیرگذار بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا عامل آینده نگری و به تبع آن معیارهای تعادل پایدار، توجه به آینده شهر و هویت مستقل است. با تحلیل های صورت گرفته می توان گفت معیار تعادل پایدار دارای بیشترین تاثیر بر عامل آینده نگری و به تبع آن رویکرد معاصر سازی مکان مبنا است. در واقع رسیدن به تعادلی پایدار میان مرمت و حفاظت شهری و اهداف توسعه ای، توجه همزمان به تغییرات آینده از دیگر مولفه های این دسته می باشند. توجه به آینده شهر، پرداختن به جنبه هایی از میراث آینده، تاکید بر مفهوم میراث مشترک و میراث در خطر در عرصه جهانی مورد تاکید قرار گرفته اند. ایجاد سازمان فضایی مستقل، تلفیق هوشمندانه شهر سازی تاریخی و معاصر (دگردیسی و پایایی) نیز بر آن تاکید شده است.

عامل دوم و تاثیرگذار بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا عامل توسعه ای است که به تبع آن معیارهای تجدید نسل، مرمت موضعی، افزایش کیفیت و محرك توسعه نیز تاثیرگذار می باشند. با تحلیل های صورت گرفته می توان گفت معیار افزایش کیفیت بیشترین تاثیر را بر عامل توسعه ای و به تبع آن رویکرد معاصر سازی خواهد داشت. از آنجاییکه در هر فرآیندی محرك توسعه به معنی تأمین منابع مالی، ایجاد کاربری های محرك توسعه حائز اهمیت تلقی شده و مورد تأکید قرار گرفته اند، در معاصر سازی مکان مبنا نیز از عوامل تاثیرگذار شناخته می شود.

عامل سوم و تاثیرگذار بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا عامل فرآیندهای اجتماعی است. به همین جهت معیارهای مشارکت اجتماعی و فرهنگی، مدیریت مکان و طراحی مکان نیز بر این فرآیند تاثیرگذار خواهند بود. در تحلیل های صورت گرفته معیار مشارکت اجتماعی و فرهنگی بیشترین تاثیر را بر فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی و به تبع آن رویکرد معاصر سازی مکان مبنا دارد. بخشی از معاصر سازی مکان مبنا که آگاهانه و ارادی و متخصص محور است به وسیله طراحان و از طریق فرآیند طراحی شهری صورت می گیرد. این



نمودار ۱۳: ارتباط میان مؤلفه های فرآیندهای اجتماعی موثر بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا

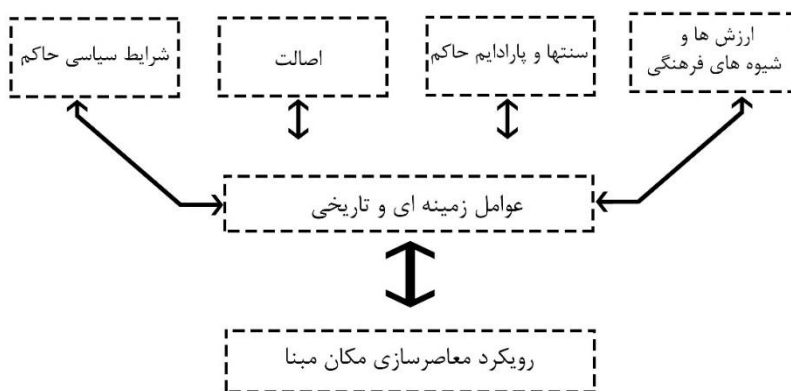


نمودار ۱۴: ارتباط میان مؤلفه‌های آینده نگری موثر بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا

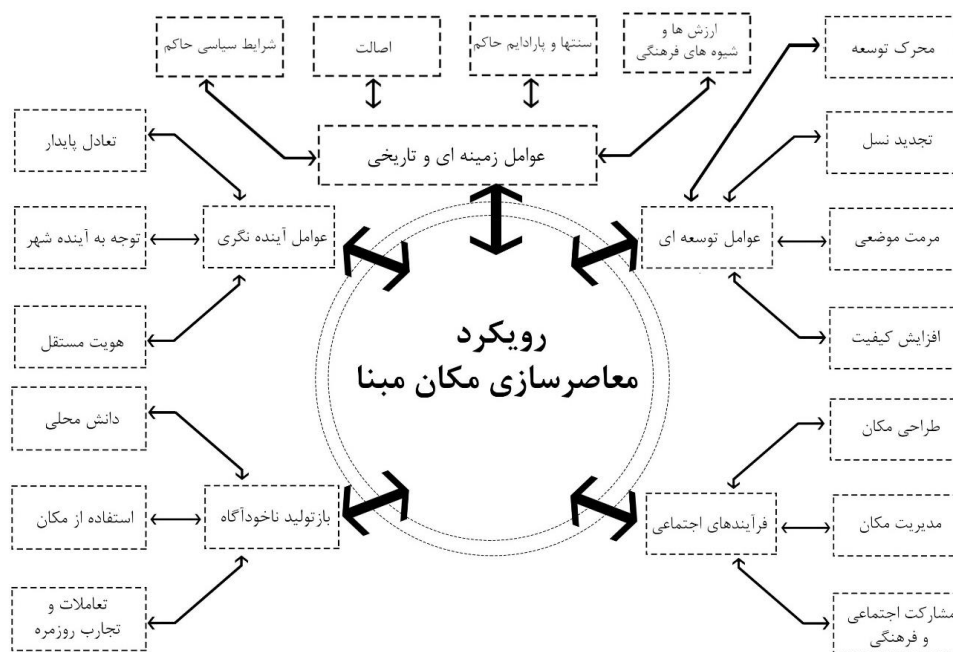
حاکم نیز از دیگر عواملی هستند که در این زمینه حائز اهمیت تلقی شده اند. زمینه طبیعی، تاریخی و فرهنگی و نظام سیاسی حاکم خاص هر شهر است که بر روی ماهیت و کیفیت مکان‌ها تأثیرگذار است. مجموعه‌ای از روابط قدرت میان ذی نفعانی که در جریان فرآیند طراحی شهری دخیل هستند، بر روی ماهیت خروجی و محصول نهایی فرآیندهای معاصر سازی مکان مبنا تأثیرگذار می‌باشند. کنشگران و ساختار دو نیروی مربوط به روابط قدرت در جامعه هستند که در تولید مکان دخیل اند.

مدل نهایی پژوهش که محصول تجزیه و تحلیل محتوای مطالعات انجام شده در زمینه تبیین رویکرد معاصر سازی مکان-مبنا در پنج بعد اصلی «عوامل زمینه‌ای»، «عوامل توسعه‌ای»، «فرآیندهای اجتماعی»، «عوامل آینده نگری»، «تعاملات و تجارب روزمره» قابل ارائه می‌باشد. نمودار ذیل شامل عوامل معاصر سازی مکان مبنا به همراه معیارهای آن می‌باشد.

عامل پنجم و تأثیرگذار بر رویکرد معاصر سازی شهری عامل زمینه‌ای و تاریخی است. به همین جهت معیارهای ارزش‌ها و شیوه‌های فرهنگی، سنتها و پارادایم حاکم، اصالت و شرایط سیاسی حاکم بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا تأثیرگذار می‌باشند. با تحلیل‌های صورت گرفته معیار شرایط سیاسی حاکم بیشترین تأثیر را بر عامل زمینه‌ای و تاریخی و به تبع آن رویکرد معاصر سازی مکان مبنا دارد. شرایط سیاسی حاکم تأثیرات مستقیم و ملموسی را بر روی فرآیند شکل گیری معاصر سازی مکان مبنا می‌گذارد. نظام سیاسی با استفاده از قدرت خود در هر جامعه‌ای تلاش می‌کند تا محیط، مکان و فضا را تحت کنترل قرار دهد. ارزشها و شیوه‌های فرهنگی به معنی معانی و ارزش‌های مشترک میان - کنشگران، انسجام و اتحاد میان ساکنان هستند که در تعاریف و نظریات مورد تأکید قرار گرفته اند. اصالت زمان از نقش بسیار تأثیرگذاری در هدایت جریان معاصر سازی مکان مبنا برخوردار است. سنت و پارادایم



نمودار ۱۵: ارتباط میان مؤلفه‌های زمینه‌ای و تاریخی موثر بر رویکرد معاصر سازی مکان مبنا



نمودار ۱۶: مدل نهایی پژوهش

پیشنهادهای راهبردی

با بررسی تطبیقی و محتوایی اسناد مطرح شده و مدل نهایی پژوهش مجموعه‌ای از راهبردهای معاصر سازی مکان مبنا را میتوان به صورت زیر پیشنهاد داد:

- احترام به میراث آینده، میراث مشترک و میراث در خطر در روند تبدیل فضاهای شهری به مکان و معاصر سازی آنها
- ایجاد سازمان فضایی مستقل در روند معاصر سازی مکان و در نظر گرفتن نشانه‌های منحصربه فرد شهری
- ایجاد محرک و انگیزه مداخله و شناخت مکان توسط طراح و استفاده از ایده و کانسپت طراحی در معاصر سازی مکان مبنا
- ایجاد بستری برای افراد جهت مسؤلیت پذیری مکان و به تبع آن تامین امنیت مکان و نگهداری مکان
- تقسیم منافع حاصل از تغییرات به گروه‌های مختلف از جمله متخصصین، ذی نفعان و ذی نفوذان
- در نظر گرفتن فرآیندی جهت شناخت مکان توسط مردم برای تثبیت خاطرات مکان در پروسه تغییرات مکان
- ایجاد گردهمایی‌ها و اجتماع گروه‌های خاص در مکان و استفاده از امکانات و تسهیلات مکان و امکان ایجاد تغییر در مکان از طریق استفاده کنندگان
- در نظر گرفتن همه شمولی و حضور پذیری در مکان و توجه به رفتارهای اجتماعی روزانه و تکراری و همچنین حرکت روزمره در فضا در فرآیند معاصر سازی مکان مبنا

- احترام به فرهنگ متخصص محور همراه با ترویج فرهنگ مردم محور در فرآیند معاصر سازی مکان مبنا
- توجه به تاریخچه مکان و حفاظت تاریخی در طول زمان به عنوان میراث شهری و ایجاد هویت مکانی جهت عملکرد بهتر مکان
- در نظر گرفتن معیارهای اصالت و یکپارچگی در ساختارهای کالبدی و غیرکالبدی شهر
- احترام به گروه‌های مختلف برای مداخله در طرح و در نظر گرفتن قدرت میان ذی نفعان و نیروهای غیرکالبدی
- به روز نگه داشتن و پاسخ به نیازهای نو و همچنین نوپردازی همراه با کاربست فناوری
- تعمیر و مرمت موضعی و پذیرفتن تغییرات از منظر کنشگران
- تامین حس رضایت کنشگران در جهت بالابردن کیفیت مکان
- تامین منابع مالی از طریق کاربری‌های محرک توسعه
- در نظر گرفتن محیط انسان ساخت و زمینه تاریخی، تواما جهت حفظ ملاحظات پایداری و معاصر سازی، استفاده از دانش‌های محلی و جهانی

- Martin, D. G. (2003). Enacting Neighborhood. *Urban Geography*, 24(5), 361-385.
- Project for Public Space [PPS] (2001) "How to Turn a Place Around: A Handbook for Creating Successful Public Spaces" , New York: PPS, from www.pps.org,
- Perry-Smith, J. E. (2006). Social yet creative: The role of social relationships in facilitating individual creativity. *Academy of Management journal*, 49(1), 85-101.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness* (Vol. 1). Pion.
- Soja, E. W. (1999). In different spaces: The cultural turn in urban and regional political economy. *European Planning Studies*, 7(1), 65-75.
- Schneekloth, L. H. , & Shibley, R. G. (1995). *Placemaking: The art and practice of building communities*. Wiley.
- Turok, I. (2004). Cities, regions and competitiveness. *Regional studies*, 38(9), 1069-1083.
- Tuan, Y. F. T. (1974). *A Study of Environmental Perception. Attitudes, and Values*.
- Ulrich, W. (1983). *Critical heuristics of social planning: A new approach to practical philosophy*.
- حناچی، پیروز و فدائی نژاد، سمیه، (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی، شماره ۴۶، نشریه هنرهای زیبا، تهران.
- Assefa, G. , & Frostell, B. (2007). Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy technologies. *Technology in society*.
- Arefi, (2014); *deconstructing placemaking: needs. Opportunities and assets* (Routledge research in planning and urban design) routledge: 1 edition.
- Brown, T. (2009). *Change by design*.
- Carmona, M. , Heath, T. , Oc, T. , & Tiesdell, S. (2007). *The communication process*. Routledge.
- Cook, I. R. (2008). *Mobilising urban policies: The policy transfer of US Business Improvement Districts to England and Wales*. *Urban Studies*, 45(4), 773-795.
- Calthorpe, P. , & Fulton, W. (2001). *The regional city*. Island Press.
- Colantonio, A. , & Dixon, T. (2011). *Social sustainability and sustainable communities: Towards a conceptual framework. Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities*.
- DeLanda, M. (2006). *Deleuzian social ontology and assemblage theory. Deleuze and the Social*, 250-266.
- DiSalvo, C. (2010, July). *Design, democracy and agonistic pluralism*. In *Proceedings of the design research society conference* (pp. 366-371).
- Dovey, K. , & Raharjo, W. (2010). *Becoming prosperous: Informal urbanism in Yogyakarta. Becoming Places: Urbanism/Architecture/Identity/Power*, 79-101.
- Fischer, C. S. (1995). *The subcultural theory of urbanism: A twentieth-year assessment. American Journal of Sociology*, 101(3), 543-577.
- Hopkins, L. D. (2001). *Urban development: The logic of making plans*. Island Press.
- Kitchen, H. (2007). *Grants to small urban governments. Intergovernmental Fiscal Transfers*. Washington, DC: The World Bank, 319-338.
- Lefebvre, H 1991; *the production of space*, Cambridge: Blackwell.
- Madanipour, A, 2014: *urban design space and society (planning, environment, cities)*, palgrave macmillan.
- Marchart, O. (1998). *Art, Space and Public Sphere* (s). Na.

منابع و مآخذ